



تاریخ	۷
مهر	۱۴۰۳
شنبه	

نگاهی به سریال ها و فیلم های ماندگار و پر خاطره

گاهی نگاه به تولیدات فکری - هنری گذشته ، هم خاطرات تلخ و شیرین را برای ما زنده می کند و هم اجازه نمی دهد که کارهای خوب گذشته ، یکبار مصرف شود. در این راستا مازیار و کیلی کارهای قشنگی دارد که ذیلا به آنها نگاهی می اندازیم:

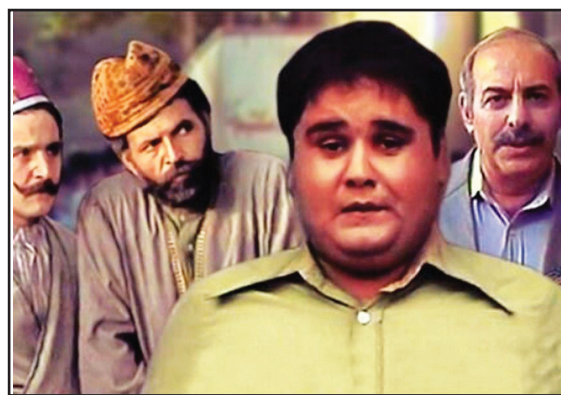
صفحه	۶
شماره	۴۰۲۲
سال	سی ام

سلامت



بهترین سریال های اکبر عبدی از «بازم مدرسم دیر شد» تا «خراجی ها»

به بهانه دیده شدن مجدد سریال بازم مدرسم دیر شد نگاهی انداخته‌ایم به پنج سریال ماندگار این بازیگر بزرگ سینمای ایران. رویداد ۱۲۴: بدون شک اکبر عبدی بهترین بازیگر کمدی سال‌های پس از انقلاب است که بارها توانایی خود را در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف نشان داده است. عبدی یکی از معدود بازیگران سینما و تلویزیون است که در ذهن ایرانیان تبدیل به نوستالژی شده است. عبدی در دهه‌های مختلف حضوری مداوم در سینما و تلویزیون داشته و همین موضوع باعث شده نقش‌های ماندگار زیادی از خود به یادگار بگذارد. تفاوت عمده عبدی با بسیاری از بازیگران طنز سینمای ایران این است که با تعداد زیادی از معتبرترین کارگردانان سینمای ایران مانند داریوش مهرجویی، علی حاتمی، بهروز افخمی و مسعود جعفری جوزانی کار کرده است. کارگردانانی که حضور در کار هر کدام از آنها می‌تواند برای یک بازیگر افتخار بزرگی باشد. به بهانه دیده شدن مجدد سریال بازم مدرسم دیر شد نگاهی انداخته‌ایم به پنج سریال ماندگار این بازیگر بزرگ سینمای ایران.



بازم مدرسم دیر شد | کارگردان: حسن افصیحی - سال ساخت: ۱۳۶۳
اکبر عبدی خیلی زود و از همان سنین جوانی جذب تلویزیون شد و با بازی در سریال‌های گروه کودک و نوجوان مانند مثل آباد، در خانه، محله بهداشت، محله برو بیا و همین بازم مدرسم دیر شد به شهرت فراوانی رسید. داستان بازم مدرسم دیر شد درباره پسر بازیگوشی بنام محسن است که به واسطه شیفت‌هایش همیشه دیر به مدرسه می‌رسید. در پایان هر قسمت از این سریال یک مرشد به همراه دستیارش در قالب معرکه گیری به بررسی دلایل دیر رسیدن محسن به مدرسه می‌پرداخت. بازم مدرسم دیر شد ویژگی‌های لازم برای تبدیل شدن به یک سریال نوستالژیک را داشت. موضوع ساده، پرداخت روان، بازی بازیگران خاطره سازی مانند اسماعیل داورفر و مهین شهابی در کنار اکبر عبدی همگی از دلایلی بودند که باعث شدند تا این سریال تبدیل به یکی از بهترین سریال‌های تلویزیون شود. این سریال به قدری خاطره انگیز است که ایرانیان بعد از گذشت چهل سال هم چنان مشتاق تماشای آن هستند و با عشق و علاقه به تماشای بازم مدرسم دیر شد می‌نشینند.

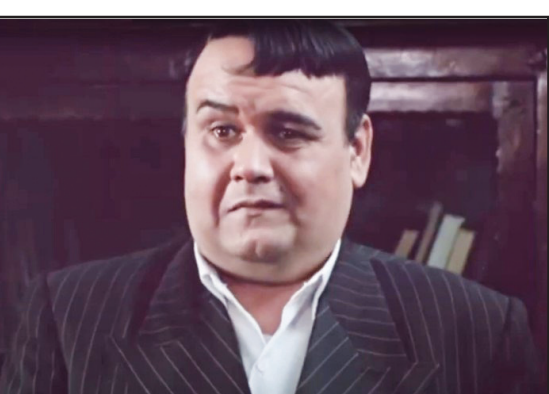


در خانه | کارگردان: بیژن بیرنگ، مسعود رسام - سال ساخت: ۱۳۶۵
اکبر عبدی بعد از موفقیت فراگیر بازم مدرسم دیر شد به بازی در سریال‌های مخصوص کودکان و نوجوانان ادامه داد. در خانه مانند تجربه‌های قبلی اکبر عبدی تبدیل به سریال موفق و خاطره انگیزی شد. این سریال از اولین تجربه‌های جدی تیم موفق بیژن بیرنگ و مسعود رسام در تلویزیون بود. سریال داستان سه پسر بچه شیطان را روایت می‌کرد که با شیفت‌های خود ماجراهایی زیادی را رقم می‌زدند. عبدی در این سریال نقش پدر یکی از بچه‌ها یعنی آقای خورشیدی را بازی می‌کرد. پدری سخت گیر و صد البته مهربان که با پسر خود بسیار رفیق بود. این سریال هم به واسطه تیتراژ انیمیشنی جذاب، فضای ساده و صمیمی و حضور خاطره انگیز بازیگرانی مانند اکبر عبدی و مرحومه شهلا ریاحی خیلی زود تبدیل به یکی از سریال‌های نوستالژیک و پرطرفدار صدا و سیما شد که هنوز تماشای آن لذت بخش و دل چسب است.



خاله خانم | کارگردان: منوچهر پوراحمد | سال ساخت: ۱۳۷۵
خاله خانم سریال چندان خوبی نبود. داستانی تکراری داشت و تمام

جذابیت خود را از بازی دو بازیگر اصلی سریال یعنی اکبر عبدی و مینا جعفرزاده می‌گرفت. اکبر عبدی در این سریال نقش جوان تنها و آس پاسی بنام همایون را بازی می‌کند که عاشق بازیگری است و به دنبال این است که راهی برای بازیگر شدن پیدا کند. اکبر عبدی در طبقه بالای خانه خاله‌اش سکونت دارد. خاله‌ای غرغرو و پامزه که با تازه عروسی به شدت مشکل دارد و از او بدش می‌آید. عبدی در این سریال نشان داد می‌تواند یک تته بار یک سریال را به دوش بکشد و بدون نیاز به فیلمنامه و صرفاً با تکیه بر نمک ذاتی خودش یک سریال معمولی را تبدیل به سریالی پرطرفدار کند. اکبر عبدی با بازی در سریال خاله خانم نشان داد که از بازی‌های درخشانش در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف اتفاقی نبوده و او ذاتاً بازیگری توانا است.



در چشم باد | کارگردان: مسعود جعفری جوزانی - سال ساخت: ۱۳۸۸-۱۳۸۲

در چشم باد یکی از سریال‌های عظیم تولید شده توسط صدا و سیما بود که بنا داشت روایت گر تاریخ سرزمین کهن ایران در قالب سرگذشت یک خانواده بنام خانواده ایرانی باشد. بازیگران اصلی این سریال دو تن از مشهورترین بازیگران نسل جدید سینمای ایران یعنی پارسا پیروزفر و کامبیز دریاپز بودند. بازیگران باتجربه‌ای مانند سعید نیک‌پور، فخرالدین صدیق شریف و اکبر عبدی هم این دو نفر را همراهی می‌کردند. اکبر عبدی در این سریال نقش حسن آقا حسینی قشنگه را بازی می‌کرد. جوان لات جاهل مسلکی که شاید کارهای خلاف زیادی انجام می‌داد، اما قلب پاک‌ی داشت و همین قلب پاک هم بود که در نهایت باعث رستگاری او می‌شد. اکبر عبدی بازی خوب و جذابی در نقش یک لات قدیمی تهرونی انجام می‌دهد و بار دیگر ثابت می‌کند مرد هزار چهره سینما و تلویزیون ایران است. بازیگری که توانایی بازی در هر نقشی را دارد.



شاهگوش | کارگردان: داوود میرباقری - سال ساخت: ۱۳۹۲
شاهگوش یکی از اولین و پرستاره‌ترین سریال‌های شبکه نمایش خانگی بود. سریالی که قرار بود میرباقری را از حال و هوای درام‌های تاریخی بیرون بیاورد و تبدیل به یکی از موفق‌ترین آثار کمدی دهه نود شود. این اتفاق نیفتاد و سریال شاهگوش انتظاراتی که از داوود میرباقری می‌رفت را برآورده نکرد. اما با همین ساختار ضعیف هم سریال طرفداران زیادی پیدا کرد و بسیار پر بیننده شد. بازی درخشان برخی بازیگران سریال مانند محسن تنابنده و حمیدرضا آذرنگ از نقاط قوت این سریال بود. اکبر عبدی در این سریال نقش رحمان شجاعت که یک یک پز استقلال‌ی است را بازی می‌کند. نقشی نه چندان طولانی که در همان قسمت‌های ابتدایی می‌میرد. بازی در این نقش نه چندان پیچیده برای اکبر عبدی که استاد تیپ سازی است کار چندان سختی نبود و او این نقش را هم استادانه و با قدرت بازی کرد.



خراجی‌ها فیلمی طنز-جنگی ایرانی به کارگردانی و نویسندگی مسعود ده‌نمکی و تهیه‌کنندگی حبیب‌الله کاسه‌ساز محصول ۱۳۸۵ است. مجید از ارادل جنوب تهران عاشق دختر پیرمرد عارفی بنام میرزا می‌شود. میرزا شرط ازدواج مجید و دخترش را سر به راه شدن او می‌داند. مجید تصمیم می‌گیرد برای اثبات سر به راه شدنش به جبهه برود که بقیه دوستانش نیز همراه او می‌شوند. برای حضور آنها در جبهه، مخالفت‌هایی وجود دارد اما با ضمانت میرزا و یکی دیگر از رزمندگان آنها به پادگان آموزش می‌رسند.[۴] هدف هر کدام از افراد گروه برای رفتن به جبهه به توبه خودی پامزه و با توجه به زمانی که فیلم



به بهانه آغاز سال تحصیلی جدید نگاهی انداخته‌ایم به مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران که درباره مدرسه ساخته شده‌اند. رویداد ۱۲۴: مازیار و کیلی: مدرسه یکی از عجیب‌ترین کلمات در فرهنگ واژگان مردم ایران است. مدرسه برای ایرانیان جایی فراتر از یک محیط آموزشی مکانی است که احساسات متضادی را درون آنها زنده می‌کند. از یک طرف یادآور استرس‌ها و اضطراب‌هایی است که هر کدام از آنها می‌تواند برای یک بچه خردسال ویران گر باشد و از طرف دیگر پر از خاطرات شیرینی است که آدم می‌تواند ساعت‌ها با به یاد آوردن‌شان خوش بگذرانند. هر چه هست مدرسه تکه بزرگی از هویت همه ایرانیان است. مدرسه اولین جایی است که دور از آغوش مادر تلاش کردیم روی پای خودمان بایستیم و تبدیل به انسان دیگری شویم. مدرسه ما بچه‌های خردسال را تبدیل به آدم‌های دیگری کرد. یادمان داد قرار نیست همه چیز بر وفق مرادمان باشد و یادمان داد چگونه هویت خودمان را در یک جمع شلوغ تعریف کنیم. شاید به خاطر وجود همین احساسات متضاد است فیلم‌هایی که درباره مدرسه ساخته شده‌اند را جور دیگری دوست داریم. چون مستقیماً با خاطرات ما ارتباط برقرار می‌کنند. به بهانه آغاز سال تحصیلی جدید نگاهی انداخته‌ایم به مهم‌ترین فیلم‌های سینمای ایران که درباره مدرسه ساخته شده‌اند.



فیلم دبیرستان | کارگردان: اکبر صادقی - سال ساخت: ۱۳۶۵
دبیرستان بیشتر از آن که فیلم خوب یا مهمی باشد فیلم نوستالژیکی است. فیلمی که در دورانی ساخته شد که بیژن امکانیان سوپرستار سینمای ایران بود. زمانی که تصور تماشاگران از جوانی و شادابی روی پرده سینما به بیژن امکانیان و افسانه پایگان محدود می‌شد که هر دو در این فیلم حضور دارند. دبیرستان داستان معلمی بنام علی ناصری است که به تازگی اعتیاد را ترک کرده و به شهر خود بازگشته است. او به واسطه خوشنامی پدرش به سر کار برگردانده می‌شود. سر کلاس توجه علی به یکی از شاگردهای مدرسه بنام مسعود جلب می‌شود که در مدرسه مواد مخدر توزیع می‌کند. دبیرستان یک ملودرام دهه شصتی کامل است. فیلمی که به یاد ما می‌آورد تصور فیلمسازان از مدرسه در دهه شصت چه بود و کارگردانان از چه دریچه‌ای به فضای آموزشی نگاه می‌کردند. به واسطه همین نگاه خاص هم هست که می‌توان تماشای دبیرستان را در آغاز سال تحصیلی به دیگران توصیه کرد.



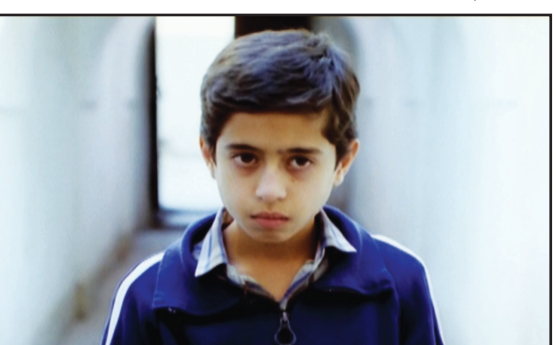
خانه دوست کجاست؟ | کارگردان: عباس کیارستمی - سال ساخت: ۱۳۶۵
عباس کیارستمی استاد کار با کودکان و طبیعت بود. کیارستمی

معرفی پنج فیلم درباره مدرسه به بهانه آغاز سال تحصیلی جدید

احتمالاً از مدرسه بدش می‌آمد که چنین تصویر دهشتناکی از مدرسه را به تصویر کشید. داستان دانش آموز ساده دلی که دفتر مشق دوستش را به اشتباه برداشته و تلاش می‌کند تا دفتر مشق را به او برگرداند سینمای ایران را جهانی کرد. خانه دوست کجاست؟ به قدری مورد توجه منتقدان سراسر جهان قرار گرفت که جان‌اتان رزنام دربارہ آن نوشت: «کیارستمی مسلماً یکی از بزرگترین کارگردان زنده حال حاضر است که فیلم‌های سه گانه وی درباره مناظر بی نظیر و شیوه زندگی مردم عادی بوده‌است. این سه گانه در مورد کشف و ارزش گذاری آنچه در جهان هستی ما است تلاش می‌کند، این از جمله آن چیزهایی است که ما مردم عادی آن را نمی‌توانیم درک کنیم.» سکانس گفت و گوی کودک خردسال با پدر بزرگش در این فیلم هم‌چنان تکان دهنده و نشانگر وضعیت زیست و نحوه تربیت کودکان در دهه شصت است.



مشق شب | کارگردان: عباس کیارستمی - سال ساخت: ۱۳۶۷
مشق شب کیارستمی هم چنان یکی از تکان دهنده‌ترین تصاویری است که از مدرسه به یاد داریم تصویر کودکان هراسانی که از حضور آن مرد عینک سیاه و دوربین‌هایش ترسیده‌اند و تلاش عباس کیارستمی در جایگاه پرسشگر (بازجو؟) برای حرف کشیدن از زیر زبان بچه‌ها تماشاگر را به یاد اردوگاه‌های کار اجباری می‌اندازد. مشق شب سند دست اولی برای کسانی است که می‌خواهند بدانند مدرسه می‌تواند با روان یک بچه چه کند و البته مهم‌ترین نکته در این فیلم واکنش‌های مختلفی است که دانش آموزان به سوالات عباس کیارستمی نشان می‌دهند. واکنش‌هایی که از گریه‌های آمیخته به اضطراب تا بی‌خیالی مطلق را شامل می‌شود و تحلیل دست اولی است از وضعیت روحی و روانی تمام کودکان دهه شصت.



قصه‌های مجید | کارگردان: کیومرث پوراحمد - سال ساخت: ۱۳۶۹
قصه‌های مجید بیشتر از این که درباره مدرسه باشد درباره کودکی است. درباره پسر تنها، پرشور و شاعرپیشه‌ای که در تما دنیا یک مادر بزرگ پیر دارد و یک پسر پرسودا. درباره محرومیت و فقر است. محرومیت و فقری که لزوماً چرک و پلید و زشت نیست و آمیزه‌ای است از زیبایی و رنج. مجید مثل تمام نوجوان‌های دهه شصت درک نمی‌شد، چون درک کردن این نوجوان شوریده حال سخت بود او را تحقیر می‌کردند و انشا درخشان درباره مرده‌شورها را سر صف برای بچه‌ها می‌خواندند تا او را له کنند. اما مجید هیچگاه خسته نشد و یک شاعر باقی ماند تا یادمان بیاورد در سیستم آموزشی که قاتل استعدادهاست تنها خودمان هستیم که می‌توانیم ناجی خودمان باشیم.

معرفی بهترین فیلم های دهه ۶۰

خاکسپاری ناگهان زنده می‌شود. این واقعه او را تکان می‌دهد و کارمند بانک تصمیم می‌گیرد از مردمی که آزارشان داده حلالیت بگیرد. غافل از این که در این راه کار سختی پیش رو دارد. توبه نصح با تمام ضعف‌هایش هنوز فیلم خاطره انگیزی است. فیلمی که به خوبی حال و هوای دهه شصت را بازتاب می‌دهد.

فیلم زرد قناری | کارگردان: رخشان بنی اعتماد - سال ساخت: ۱۳۶۷
زد قناری در اواخر دهه شصت ساخته شد یعنی زمانی که جامعه ایران داشت از جنگ و پیامدهای آن گذر می‌کرد و به دوران تازه‌ای پا می‌گذاشت. بنی اعتماد هوشمندانه تصویر دقیقی از رشد دلالیسم در ایران را به نمایش می‌گذارد و به صراحت اعلام می‌کند جنگ برای برخی از افراد که به دلایلی مشغول بودند آورده مالی بسیار خوبی داشته است.

زد قناری داستان یک کفاش شهرستانی است که سهم خود را از کفاشی در شهرستان می‌فروشد و قطعه زمینی می‌خرد تا روی آن زراعت کند. اما زمینی که می‌خرد مشکل دار از کار در می‌آید و او را گرفتار می‌کند. لحن طنزآمیز و جذاب زد قناری این فیلم را بدل به موفق‌ترین فیلم کارنامه بنی اعتماد در دوره اول کاری‌اش می‌کند. فیلمی متفاوت که ماهیتی اعتراضی دارد و بخشی از معضلات جامعه ایران را به خوبی بازتاب می‌دهد.



فیلم توبه نصح | کارگردان: محسن مخملباف - سال ساخت: ۱۳۶۱
توبه نصح را مخملباف متقدم ساخته است. همان مخملباف ایدئولوژیک که قصد داشت از سینما به عنوان منبر خطابه استفاده کند و با ساخت فیلم‌های دینی تماشاگر ایرانی را ارشاد نماید. در فیلم‌هایی مانند توبه نصح ساختار و توجه به ابعاد دراماتیک داستان چندان مهم نبود، بلکه مهم پیامی بود که کارگردان قرار بود با ساخت فیلم به مخاطب منتقل کند. مخملباف هم برای انتقال پیام فیلمش سنگ تمام گذاشت و فیلمی ساخت که تماشاگر در تک تک صحنه‌های آن شاهد پیام مورد نظر کارگردان بود. فیلم داستان کارمند بانک طماعی است که می‌میرد، اما به هنگام